

سازمان
همکاری
شانگهای در
قبال افغانستان
سیاستی
متفاوت باناتورا
در پیش گرفت.
این سازمان از
نظر نظامی درگیر
نشد، بلکه روی
فعالیت‌های
سیاسی،
اقتصادی و
بشر دوستانه‌ای
که به تقویت
روند صلح کمک
می‌کرد متمرکز
شد

مواد مخدر از آن کشور انجام دادند (ژائو ۲۰۱۲، ۱۱). اعضای سازمان همکاری شانگهای به طور رسمی از احتمال اعزام نیروهای نظامی به افغانستان فاصله گرفتند، اما به طور غیررسمی باید برای چنین سناریویی هم آماده می‌شدند. سازمان همکاری شانگهای به دلیل پتانسیل سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش تمایل دارد به یک سازمان امنیتی کلیدی در منطقه تبدیل شود (آردوئینو ۲۰۱۷، ۱۳۳). یکی از مظاهر همکاری بین اعضای سازمان همکاری شانگهای در زمینه امنیت، سازماندهی مانورهای نظامی مشترک هرچه بزرگ‌تر و آماده‌سازی شرکا برای انجام مأموریت‌های مشترک حفظ صلح است. این موضوع این واقعیت را تغییر نمی‌دهد که برای چین تقویت همکاری‌های اقتصادی در منطقه در سازمان همکاری شانگهای از اهمیت کلیدی برخوردار است.

سازمان همکاری شانگهای در اکتبر سال ۲۰۰۷ در شهر دوشنبه توافقنامه‌ای را با سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) که به ابتکار روسیه (۲) ایجاد شده بود امضا کرد. این توافقنامه به همکاری در زمینه امنیت، مبارزه با تروریسم، جنایت و قاچاق غیرقانونی مواد مخدر مربوط می‌شود. همکاری افغانستان در این زمینه‌ها اهمیت خاصی دارد، زیرا این کشور صادرکننده اصلی بی‌ثباتی در منطقه است. محور اصلی همکاری در سازمان همکاری شانگهای و بین این سازمان و سازمان پیمان امنیت جمعی (CSTO) به نوبه خود روابط قدرت‌های بزرگ چین و روسیه است. خلأ امنیتی که پس از خروج نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت (ISAF) در افغانستان به وجود آمد، همسایگان این کشور را مجبور کرد برای تضمین امنیت مرزهای خود و محافظت در برابر تروریسم بین‌المللی همکاری‌های منطقه‌ای را تقویت کنند. با وجود این نه سازمان همکاری شانگهای و نه سازمان پیمان امنیت جمعی نتوانستند این خلأ را پر کنند (آردوئینو ۲۰۱۷، ۲۱۹).

جمهوری خلق چین در شکل‌های دیگر در همکاری‌های چندجانبه برای امنیت افغانستان مشارکت دارد. در ۲ نوامبر سال ۲۰۱۱ یک مجمع منطقه‌ای به نام قلب آسیا برای امنیت افغانستان تأسیس شد. این مجمع به دلیل محل تشکیل آن معمولاً به فرایند استانبول معروف است. قلب آسیا به طور رسمی یک سازمان بین‌دولتی در سطح وزیران و شامل چهارده ایالت این قاره و مبتنی بر سه رکن، یعنی مشاوره سیاسی، اقدامات اعتمادسازی و همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای (قلب آسیا) است. این سازمان در درجه اول تلاش می‌کند تا به آشتی ملی بین افغان‌ها دست یابد. با این حال موضوعات مورد بحث در این نشست‌ها بسیار متنوع هستند، از جمله افراط‌گرایی و تروریسم، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت، فقر، همکاری‌های توسعه‌ای و موارد دیگر. وزرای کشورهای عضو فرایند استانبول در نشست‌های سالانه به گفت‌وگو می‌نشینند. چهارمین نشست در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۱۴ در پکن برگزار شد.

همچنین جمهوری خلق چین در گروه هماهنگی‌های چهارجانبه که شامل نمایندگان ایالات متحده، چین، پاکستان و افغانستان است، شرکت می‌کند. این گروه برای اولین بار در ژوئن سال ۲۰۱۵ تشکیل جلسه دادند. با این پیکره‌بندی گفت‌وگوها با موانع متعددی رو به روشدند. عامل اصلی بی‌میلی طالبان به مذاکره بود. علاوه بر این بین نمایندگان کابل و اسلام‌آباد خصومت‌های جدی وجود داشت. در میان بسیاری از عوامل دیگر روابط بین دولت‌ها به دلیل عواملی چون سالیان سال اختلافات ارضی و تلاش‌های پشتون‌ها برای کسب استقلال تیره و تار و سنگین است. البته مشکلات